فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و هفتم، تابستان۱۳۹۸- صفحات ۲۵ - ۷

نهاد قرض الحسنه و دولت اسلامی

علی اصغر هادوی‌نیا[۱]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش:۱۳۹۸/۰۴/۲۰

چکیده

مهم‌ترین پرسشی که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود این است که چگونه می‌توان ارتباط بین دولت و نهاد قرض‌الحسنه را ترسیم نمود. به عبارت دیگر با چه معیاری می‌توان میزان دخالت دولت در نهاد قرض‌الحسنه را تعیین کرد. از یک سوی می‌توان گفت مهم‌ترین هدف از تشکیل دولت از دیدگاه اسلام، اجرای عدالت در گستره‌های مختلف آن اعم از گستره اقتصادی است. از سوی دیگر در مقاله به اثبات می‌رسد که قرض‌الحسنه نقش بسزایی در عدالت اقتصادی بویژه عدالت توزیع درآمدها دارد. اما این اصل اساسی نیز آشکار است، مطابق آسیب شناسی نهاد قرض‌الحسنه، دخالت دولت در این نهاد ممکن است اثر منفی بر انگیزه‌های فردی داشته باشد. این انگیزه‌های فردی ارکان نهاد قرض‌الحسنه می‌باشند. البته دخالت دولت از جهت معرفی برنامه‌ریزی های کلان و دراز مدت می‌تواند، آثار مثبتی برای این نهاد به ارمغان آورد. فرضیه این است که هر قدر آثار نهاد قرض‌الحسنه در ایجاد عدالت توزیع درآمدها بیشتر باشد، نقش دولت کمتر است و هر قدر این آثار کمتر شود، دخالت دولت بیشتر است. نوآوری مقاله به نوع نگاه آن به این مسئله و نیز فرضیه مزبور است.

کلمات‌کلیدی: دولت، قرض‌الحسنه، ساختار انگیزشی، عدالت اقتصادی، نیاز

طبقه‌بندی JEL: E49,G39,G32,G30,K22,H79

۱.دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ALIHADAVINIA@GMAIL.COM

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

مقدمه

بانک مرکزی به طبقه‌بندی صندوق‌های قرض‌الحسنه در ثبت آن‌ها اشکالی مطرح کرده است. این اشکال عبارت بود از این‌که فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه به علت واسطه‌گری مالی ذاتاً یک فعالیت تجاری است و غیرانتفاعی بودن آن به معنای غیرتجاری بودن آن نمی‌باشد. در تیرماه ۱۳۵۱ قانون پولی و بانکی کشور به تصویب رسید و برای اجرا ابلاغ شد. براساس این قانون بانک مرکزی مأمور تنظیم سیاست‌های پولی و ارزی کشور شد. مطابق بند« ب» ماده(۱۱) قانون مذکور، بانک مرکزی موظف به نظارت بر مؤسسات اعتباری است. عمومیت اطلاق واژه مؤسسات اعتباری بر کلیه نهادهای مالی و اعتباری در این بند، نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه را نیز به عنوان یک نهاد اعتباری برعهده بانک مرکزی گذارده است. لذا پس از تصویب و ابلاغ این قانون صندوق‌های قرض‌الحسنه علاوه بر این‌که جهت ثبت به عنوان یک مؤسسه غیرتجاری براساس مواد ۵۸۴ (و) ۵۸۵ (قانون تجارت و آیین‌نامه مربوطه نیازمند اخذ مجوز از جهت تأیید صلاحیت سیاسی و (عدم سوءپیشینه کیفری ارکان صندوق از وزارت کشور بودند از این لحاظ که نهاد اعتباری و واسطه‌گری وجوه هستند باید از بانک مرکزی مجوز دریافت کنند زیرا امر نظارت بر یک مؤسسه اعتباری شامل تأیید صلاحیت تخصصی مدیریت، تأیید اساسنامه و کنترل تأمین حداقل نرخ کفایت سرمایه، اعطای مجوز تأسیس و فعالیت، نظارت حضوری و غیرحضوری و حمایت از مؤسسه مالی و بیمه سپرده‌هاست. در هر صورت موضوعی که همیشه پس از شکل‌گیری نهاد قرض‌الحسنه مورد بحث بوده است، میزان و چگونگی دخالت دولت در فعالیت‌های این نهاد بوده است. این مقاله تلاش دارد با توجه به مبانی نظری به این پرسش پاسخ دهد. برای این منظور دو مسیر انتخاب شده است: نظریه دولت، ساختار انگیزشی در نهاد قرض‌الحسنه. بنابراین در گام اول نظریه دولت مطرح شده و در گام دوم ساختار انگیزشی در نهاد قرض‌الحسنه تبیین گردیده است. گام سوم به این نکته می‌پردازد که نهاد قرض‌الحسنه در تحقق مهم‌ترین هدف از تشکیل دولت که در نظریه دولت به آن پرداخته شده است، چه نقشی ایفا می‌کند. در گام نهایی نیز به چگونگی دخالت دولت در فعالیت‌های نهاد قرض‌الحسنه پرداخته می‌شود، به گونه‌ای که با ساختار انگیزشی این نهاد هماهنگ باشد.

پیشینه

در مقاله قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی از آقای حبیبیان تلاش کرده است نقش دولت را در تقبل باز پرداخت برخی از دیون وام گیرندگانی که توان پرداخت ندارند، اشاره می‌کند. در مقالاتی چون "مبنای نظری سنجش عدالت اقتصادی در اسلام " و " عدالت و برابری اقتصادی در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

آراء اندیشمندان اسلامی و اقتصاددانان معاصر" به جایگاه عدالت اقتصادی در اقتصادی پرداخته‌اند و اساسا به ارتباط آن با دولت و قرض‌الحسنه اشاره‌ای نشده است. مقاله " دولت و تشکل‌های مردمی" از ابراهیم فیوضات و سید مهدی مهدوی نیز تمرکز بر نهاد قرض‌الحسنه ندارد. مقالاتی چون " جایگاه دولت در نظام اقتصادی اسلام" از رفیعی آتانی و " جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام " از موسویان و "نقش دولت اسلامی در اقتصاد" از محمد ابراهیم‌نژاد و "جایگاه دولت در اقتصاد اسلامی" از ناصر جهانیان و "نقش دولت در اقتصاد اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی" از علی شیخی مهرآبادی نیز بیشتر به مبانی نظری دخالت دولت و وظایف آن پرداخته و بر قرض‌الحسنه تمرکز ندارد. با توجه به جستجویی که تاکنون انجام شده است، به نظر می‌رسد اساسا مقاله‌ای که به طور مستقیم به پرسش اصلی مقاله حاضر پرداخته و بر آن تمرکز داشته باشد، نمی‌توان یافت.

نظریه دولت از دیدگاه اسلام

نظریه‌های مربوط به دولت عهده‌دار پاسخ به این پرسش هستند که دولت چرا و چگونه از پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شده است (هادوی‌نیا، مبانی نظری دولت در قرآن‌کریم، ۱۳۸۷) این است که مهم‌ترین نقصی که در اجتماع انسانی به چشم می‌خورد، احتمال دور شدن از عدالت اجتماعی است. به همین خاطر انسان‌ها خود را نیازمند نهادی می‌بینند که عهده‌دار حفظ جامعه در مسیر عدالت اجتماعی‌باشد. بنابراین در نظریه دولت از دیدگاه قرآن‌کریم، عدالت اجتماعی نقش اصلی را ایفا می‌نماید، و اموری همچون امنیت و دفاع و رشد اقتصادی به عنوان مقدمات و گاه دستاوردهای آن محسوب می‌شوند. درباره این که هدف از ارسال انبیاء چه بوده است. اختلاف می‌باشد، اما به نظر می‌رسد ضرورتی ندارد که حتماً یک هدف برای بعثت در نظر گرفته شود بلکه ممکن است به طور نمونه گفته شود پیامبران دو هدف داشته و برای دو هدف بالاستقلال که هیچ یک مقدمه دیگری نیست، مبعوث شده‌اند. یکی برای این‌که حلقه ارتباطی باشند میان بشر و خدا تا بشر خدا را پرستش کند، و دیگر بدین‌جهت که عدالت در میان بشر برقرار شود. (مطهری، ۱۳۷۲ ش: ص ۸۲.)

اهمیت عدالت اجتماع به‌گونه‌ای است که قران کریم آن را به عنوان مهم‌ترین نیاز اجتماعی جامعه در نظر گرفته و به همین خاطر در هنگام تبیین اهداف ارسال انبیاء در بعد اجتماعی تنها به همین مورد اشاره می‌نماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید(۵۷): ۲۵)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

عبارت «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» حکایت از این دارد که که هدف از ارسال رسولان توسط خداوند، اجرای قسط و عدالت در سطح مردم یعنی جامعه می‌باشد.«میزان» به معنی وسیله وزن کردن و سنجش است که مصداق حسی‌آن ترازوهائی است که وزن اجناس را با آن می‌سنجند، ولی مسلماً در این‌جا منظور مصداق معنوی آن است، یعنی‌چیزی که تمام اعمال انسان‌ها را می‌توان با آن سنجید، و آن احکام و قوانین الهی، و یا آئین او به طور کلی است، که معیار سنجش نیکی‌ها و بدی‌ها، و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها است. به این ترتیب پیامبران با سه وسیله مجهز بودند: دلائل‌روشن، کتب آسمانی، و معیار سنجش حق از باطل و خوب از بد، به هر حال هدف از اعزام این مردان بزرگ با این‌تجهیزات کامل همان اجرای قسط و عدل است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲۳، ص ۳۷۱) جمله «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» بر آزادی و اختیار مردم دلالت دارد، زیرا که از خودجوشی مردم سخن می‌گوید، نمی‌فرماید: هدف این بوده که انبیاء انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کند، بلکه می‌گوید: نتیجه غایی ارسال رسل و بینات و کتاب و میزان، قیام خود مردم برای اجرای قسط است: رساندن و رسیدن همه مردم به آن چه در زندگی و اجتماع سهیم هستند به فراخور استعدادها و مواهب طبیعی و روحی و اکتسابی تا جلوی استعدادها باز شود و موانع در میان نباشد و هر که سهم خود را دریابد و فرد و گروهی بیش از استعداد و عمل خود، بهره‌گیری نکند و هر کس از حقی که دارد بهره‌مند شود. این اساس مجتمع سالم و طبیعی است و هماهنگی با نظام جهان و زندگی است که با اختیار و عقل، باید تحقق یابد. (طالقانی، ۱۳۸۱ ش: ج۵، ص ۵۳)

آیه ۴۷ سوره یونس(۱۰) نیز می‌تواند بر همین معانی دلالت داشته باشد.به نظر می‌رسد که پیش‌فرض اولیه این باشد که نیاز اصلی هر گروه و جامعه‌ای اجرای قسط و عدالت باشد، به همین خاطر با توجه به شاخه توحید ربوبی تشریعی از توحید افعالی، جهت رفع این نیاز اجتماعی برای هر یک از جوامع از سوی پروردگار رسولی فرستاده می‌شود. این رسولان با توجه به آشنایی به منبع شناخت وحیانی درصدد هدایت جامعه به سوی اجرای عدالت می‌باشند. البته این فعل الهی بازتابی از شاخه عدل تشریعی از صفت عدل الهی است که در گذشته تبیین شد، آن‌چه که در نظریه دولت از دیدگاه قرآن‌کریم نقش اساسی را ایفا می‌نماید، همان پیش‌فرض اولیه‌ای است که در این‌جا مطرح گردید. در صورتی که عدالت، مهم‌ترین غایت و فلسفه وجودی دولت باشد، می‌توان پاسخ به برخی پرسش‌ها پیرامون دولت را نیز پیش‌بینی نمود. درباره محدوده دخالت دولت، در این نظریه، محور اصلی چگونگی امکان برقراری عدالت می‌باشد. در صورتی که وجود برخی فرایندهای اجتماعی، تحقق عدالت را آسان نماید، لزومی بر گسترش دولت نیست. اما اگر فقدان برخی زمینه‌های فردی و اجتماعی، دشواری‌هایی را در برقراری عدالت بوجود آورد، ضرورت یک دولت قدرتمند و وسیع، منطقی به نظر می‌رسد. در این نظریه «عدالت» نیز، در باره معیار سیاست‌ها و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

راهکارهایی که دولت می‌بایست برگزیند، مناسب می‌باشد. سیاست‌هایی که موجب گسترش بی‌عدالتی می‌گردد، به طور کلی در نظریه مزبور، نابایسته بوده و در میان سیاست‌های بایسته نیز، سیاستی که در عدالت‌گستری نقش بیشتری ایفا نماید، تقدم می‌یابد. هم‌چنین در این نظریه تنها ابزارهای اقتصادی مورد تأیید هستند، که بر سرعت‌بخشی در پیدایش و توسعه عدالت در گستره‌های سه‌گانه اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف)، از تأثیر بیشتری برخوردار باشند. راهبردها و ابزارهایی که دولت اسلامی برای اجرای عدالت اجتماعی بکار می‌گیرد می‌بایست نیز به گونه‌ای باشد که در جهت ارضای بیشینه‌سازی رفع نیازهای مادی، معنوی و اخروی افراد جامعه یعنی نزدیک‌تر شدن به ویژگی «اعتدال»، گام بردارد. به طور نمونه یکی از وظایف دولت اسلامی در این راستا، جمع‌آوری زکات می‌باشد که باید با روش‌هایی صورت پذیرد که این اهداف را برآورده سازد. در این صورت زکات، صاحب مال را از رذائل اخلاقی، از دنیاپرستی و بخل وامساک پاک کرده، و نهال نوعدوستی و سخاوت و توجه به حقوق دیگران را که از نیازهای معنوی آنان می‌باشد، در آن‌ها پرورش می‌دهد. از این گذشته، مفاسد و آلودگی‌هائی که ممکن است در جامعه به خاطر فقر و فاصله طبقاتی به وجود آید، پاک‌سازی می‌شود. به همین خاطر می‌توان گفت همبستگی اجتماعی و نمو و اجتماع است و هم نمودهنده بذرهای فضیلت در افراد. در این‌جا مناسب است به یکی از پرسش‌های اساسی پیرامون «دولت و اقتصاد» اشاره گردد: « اندازه مناسب برای دولت چیست و میزان دخالت‌های آن در گستره اقتصاد، چه مقدار باید باشد؟» یک روش برای پاسخ به این سؤال، مبتنی بر دیدگاه‌های مختلفی است که درباره فلسفه دولت وجود دارد. همان‌گونه که در این‌جا مشاهده گردید، فلسفه وجودی هر دولتی بازگشت به برقراری عدالت می‌کند: «مسئله اصلی و محوری در هر نظام اجتماعی، تأمین کامل نیازهای این فرد یا آن فرد نمی‌باشد بلکه آن عبارت است از ایجاد توازن عادلانه بین نیازهای تمام افراد جامعه و تنظیم روابط افراد در چارچوبی که جوابگوی همه پرسش‌ها و تأمین‌کننده تمام نیازها باشد.» (جمشیدی، ۱۳۸۰ ش: ص ۵۸۱ «دیدگاه شهید صدر»)

ساختار انگیزشی نهاد قرض‌الحسنه

وام دهنده، بی‌آن که در پی‌سود باشد، مدتی از تصرّف در مال خویش چشم می‌پوشد. در این موقعیت، نخستین پرسشی که به ذهن می‌آید آن است که انگیزه‌ی این رفتار اقتصادی چیست؟ در پاسخ بدین پرسش باید گفت: هر یک از امور زیر می‌تواند وام دهنده را بدین کار برانگیزد:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

۱. پاداش آن جهانی

اولین انگیزه‌ی قرض، که در فرهنگ اسلامی بر آن تأکید شده است، پاداش آن جهانی است. در این‌جا مناسب است مضمون چند روایت را مورد توجه قرار داد: هر که به برادر مسلمانش وام دهد، در برابر هر در هم، به اندازه‌ی کوه اُحُد و کوه‌های رضوا و طور سینا برایش کردار نیک نگاشته می‌شود؛ و اگر در باز پس‌گرفتن آن در زمان تعیین شده آسان بگیرد، در رستاخیز، که نیکوکاران پاداش داده می‌شوند، او چون برق شتابان از "صراط" می‌گذرد. (نجفی، ۱۳۹۴ ه . ق ، ج ۲۵، ص۱ و کلینی، ۱۳۸۸ ق ، ج ۴، ص ۱۰ و مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰۳، ص ۱۴۰و الهندی، ۱۹۷۷، ح ۱۵۳۷۴ و صدوق ،۱۳۹۲ ق، ۳۴۱ و الحر العاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۸۸ و الکافی، ج ۴، ص ۳۴)

۲. کسب اخلاق پسندیده

یکی از اهداف انسان‌های کامل، به دست آوردن اخلاق پسندیده است. هر چند پیامبراکرم (ص) برای کامل کردن مکارم اخلاق آمده است؛ ولی کسب اخلاق نیک به اسلام اختصاص ندارد و از اهداف همه‌ی ادیان است. بخل از رذائل اخلاقی است و، در برابر آن، سخاوت و بخشش از اخلاق پسندیده به شمار می‌آید. قرض رفتاری است که در سایه‌ی این صفت پسندیده پدید می‌آید. (المجلسی، ۱۳۷۰ ه . ش، ج ۱۹، ص ۴۲۴، ح ۴۷)

قرض از ثمرات سخاوت است، زیرا سخاوت‌مند راضی می‌شود که به برادر نیازمند خود مقداری از مالش را، تا زمانی که او توانایی بازپرداخت دارد، قرض بدهد؛ چنان که راضی می‌شود مالش را ببخشد، درحالی که این رفتار برای بخیل مشکل به نظر می‌رسد.(نراقی، ج ۲، ص ۲۲۸)

۳. نوع دوستی

انسان موجودی اجتماعی است و هر اجتماعی به تعاون و هم‌یاری نیازمند است. تعاون امری ضروری است وگرنه افراد به منافع خود نخواهند رسید. البته هر چه سطح این تعاون بالاتر رود، زندگی اجتماعی منسجم‌تر می‌شود. قرض نیز نوعی تعاون اجتماعی است که می‌تواند از حسّ نوع دوستی افراد سرچشمه بگیرد.(القبانچی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۷۰)

۴. پس‌انداز

از نظر روان‌شناسی، می‌توان گفت: هر فرد به پس‌انداز بخشی از درآمد خود گرایش دارد. چنان که در آینده اشاره خواهد شد، با ارائه‌ی تحلیلی از رفتار یک فرد در مورد پس‌انداز، قرض را نوعی پس‌انداز فردی به شمار آورد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

۴. جایزه

قرض‌دهندگان از نظر انگیزه و شرایط اقتصادی متفاوتند. می‌توان، با توجه به آن‌چه در آینده متذکر می‌شویم، جایزه یا پرداخت اضافی داوطلبانه در قرض قرار داد. این امر نه تنها ممنوع نیست، بلکه در روایات مورد سفارش واقع شده است.(عبداللّهی، ۱۳۷۱، ص ۲۸۱) پس می‌توان با تعیین جایزه به شیوه‌های مختلف انگیزه‌ی قرض‌دادن را در مردم تقویت کرد. چنان که پیداست انگیزه‌ی اول صرفاً اخروی است؛ انگیزه‌های دوم و سوم معنوی و انگیزه‌های چهارم و پنجم مادّی مشروع شمرده می‌شود. در بینش اسلامی، هر چه انگیزه‌ی قرض‌دهنده به اولین انگیزه نزدیک‌تر شود، به «قرض‌حسن» نزدیک‌تر شده است. اکثر منابع روایی ما که از عبارت "قرض‌حسن" استفاده کرده‌اند، بر این مدعا تاکید می‌ورزند. در این‌جا به نمونه‌هایی از آن روایات اشاره می‌شود. (طباطبایی، ج ۲، ص ۶ و حرّ عاملی، ج ۱۳، ص ۸۷)

ویژگی وام گیرنده

نیازمند بودن وام گیرنده، در قرض‌الحسنه اصلی مهم است. چنان که پیش‌تر اشاره شد، در فرهنگ اسلامی قرض گرفتن، اگر برای رفع نیازهای ضروری نباشد، امری ناپسند شمرده شده است. قرض گرفتن، اگر با نیاز همراه نباشد، مکروه است و هر چه بر نیاز فرد افزوده شود، از کراهت آن کاسته می‌شود.(الخمینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۶۰۲)

قرض گرفتن مکروه و ناپسند است مگر زمانی که ضرورتی آن را لازم سازد. پس، در صورت اختیار، وام گرفتن شایسته نیست.(الطوسی، ۱۴۱۲ ق ، ج ۱، ص ۳۰۴)

البته این نیاز ضروری نباید ریشه در کم‌کاری و سستی فرد داشته باشد. انسان باید به اندازه‌ی کافی تلاش کند؛ ولی چنانچه کوشش‌هایش به عللی به رفع نیازهای ضروری‌اش نینجامد، می‌تواند قرض بگیرد.کسی که در پی روزی حلال برود، اما در زندگی درمانده شود، خوب است وام بگیرد. خدا و رسول او را در بازپرداخت آن یاری خواهند داد.(الحر العاملی، ۱۴۱۴ق ، ج ۱۳، ص ۸۱ و ۹۱؛ صدوق، ۱۴۰۱ ق ، ج ۳، ص ۱۸۲)

این نکته باعث می‌شود که افراد جامعه راه‌های طبیعی رفع نیاز را فراموش نکنند و اندیشه‌ی زندگی از راه قرض را در سر نپرورانند. زیرا اسلام قرض را تعاون و یاری می‌داند نه شغل یا معامله. (حسین القبانچی، ۱۳۶۵ ، ج ۲، ص ۲۸۲)

عوامل مختلفی می‌تواند سبب ضرورت نیاز انسان شود. بخشی از این عوامل عبارت است از:

- عامل تکوینی که سبب نیاز به غذا و دارو و... می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

- عامل تشریعی اموری که شارع واجب کرده است، مانند حجّ که نیازهـایی ضـروری را در انسـان پدید می‌آورد.
- عامل اجتماعی زیستن در جامعه که به نیازهایی می‌انجامد و با توجه به جایگاه اجتماعی انسـان تعدادی از آن‌ها ضرورت خاصّ می‌یابد.
- روایات ائمه‌ی اطهار (ع) نشان می‌دهد که قرض در تمام موارد فوق ممکن است. صـدوق،۱۴۰۱ ق، ج ۳، ص ۱۸۲؛ الحر العاملی، ۱۴۱۴ق ، ج ۱۳، ص ۸۲. به ابـن ماجـه، بـی‌تـا، ج ۲، ص ۸۱۳، ح ۲۴۳۵ و بخاری،۱۴۰۱ ق، ج ۳، ص ۸۲، رجوع شود) البته توجه به دو نکته‌ی مهم ضروری است:

۱. ملاک یاد شده نشان می‌دهد که موارد قرض‌الحسنه بیش‌تر امور مصرفی است و چنان که اشاره خواهد شد، در امور تولیدی کم‌تر از آن استفاده می‌شود.

۲. رفع نیازهای ضروری یک فرد، به مبالغ هنگفت، که معمولاً در امور تولیدی مطـرح اسـت، نیـاز نـدارد. بـدین سـبب قـرض‌الحسـنه در مبـالغ درشـت از مطلوبیـت کـم‌تـری برخـوردار اسـت. (ابراهیمی، ۱۳۷۲، ص ۲۸)

ضروری بودن نیاز وام‌گیرنده، یکی از اصول قرض‌الحسنه است و رابطـه‌ی آن بـا دیگـر نهادهـای نظام اسلامی را مشخص می‌سازد. توضیح بیش‌تر این مطلب در آینده خواهد آمد. افزون بر این، اگـر وام دهنده را عرضه‌کننده‌ی وام و قرض‌گیرنده را متقاضی معرفی کنیم، توجه به این اصل جامعـه را از حالت مازاد تقاضا دور و به تعادل نزدیک می‌سازد. این اصل در مورد تعیین کارآمدی فعالیت‌هایی که با عنوان قرض‌الحسنه انجام می‌گیرد، نقشی مهم دارد؛ زیرا هر چه قرض به ضروری‌ترین نیازهای جامعه و نیازمندترین افراد جامعه تعلّق گرفته باشد، آن فعالیت به اهداف قـرض‌الحسـنه نزدیـک‌تـر است و بهتر عمل کرده است.

قرض‌گیرنده و ادای دین

یکی از عواملی که در ساختار انگیزشی قرض‌دهندگان موثر می باشد، مربوط به بازگشت وجوه است. در واقع در صدقه، صاحبان وجوه توجهی به بازگشت وجوه ندارند بنابراین این امـر در انگیـزه آن‌هـا تأثیری ندارد. اما در قرض اگر وجوه به طور کامل بازگشت نکند، از انگیـزه قـرض‌دهنـدگان کاسـته می‌شود. روایات تلاش دارند با توجه به بعد آخرتی و ایجاد انگیزه در قرض‌گیرنـدگان ایـن مسـئله را حل نمایند: امام باقر علیه السلام فرمود: هر گناهی که باشد شهادت در راه خدا آن‌را پاک می کنـد، مگر قرض را که کفّاره ای ندارد جز این‌که توسط بدهکار یا شخص دیگری پرداخت شود یـا ایـن‌کـه طلبکار از حق خود گذشت نماید.(الحر العاملی، ۱۴۱۴ق ، ج ۱۳، ص ۹۰)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

قرض‌الحسنه و طلب سود

حرمت ربا از احکام تردید ناپذیر اسلام و بلکه همه‌ی ادیان آسمانی است. ربای قرضی یکی از انواع ربا شمرده می‌شود. در ربای قرضی، وام‌دهنده، مال خود را به شرط دریافت سود قرض می‌دهد. در قرض شرط گرفتن سود جایز نیست؛ یعنی مال را به شرطی که قرض‌گیرنده، بیش‌تر از مقدار وامش بازگرداند، قرض دهد. خواه این شرط به طور صریح بیان شود یا در ضمیر باطن مورد قصد قرارگرفته و قرض مبتنی بر آن منعقد گردد. چنین وامی، همان ربای قرضی است که بر حرمت آن تأکید شده است.(الخمینی،۱۳۶۸، کتاب القرض، م ۱۰)

از نظر دلیل‌های شرعی حرمت ربای قرضی از دو جهت قابل اثبات است.

- دلیل‌هایی که به طور مطلق، چه در معاملات و چه در قرض، حرمت ربا را بیان می‌کند. (بقره ۲:۲۷۹) آیه‌های ۲۷۵ و ۲۷۶ بقره، ۱۳۰ آل عمران و ۱۶۱ نساء)
- روایاتی که آشکارا از شرط سود در قرض نهی کرده است.(طوسی، ۱۴۰۶، ق ، ج ۶، ص ۲۰۳، ح ۴۵۷؛ التمیمی‌المغربی، ۱۳۸۹ ه . ق ، ج ۲، ص ۶۱، ح ۱۶۶)

البته این سود، که در فقه آن را زیاده می‌خوانند، می‌تواند به شکل عین و کالا باشد؛ یعنی افزایش کمّی سرمایه که قرض داده شده است و یا افزایش کیفی آن مورد شرط قرار گیرد؛ برای مثال شرط شود که به جای کالای کهنه‌ی قرض داده شده، کالای نو بازگردانده شود. اولی را زیاده‌ی عینیه و دومی را زیاده‌ی حکمیه می‌نامند و هر دو در قرض حرام است. (التمیمی‌المغربی، ۱۳۸۹ ه . ق ، ج ۲، ص ۶۱)

موارد یاد شده نشان می‌دهد که هرگز نباید، ضمن قرارداد قرض، شرط سود مطرح شود. اگر چنین امری تحقق یابد، قرض درست است؛ ولی شرط باطل و حرام خواهد بود؛ (امام خمینی،۱۳۶۸، کتاب القرض، م ۱۳)

یعنی وام گیرنده می‌تواند در آن‌چه قرض کرده تصرف کند و هنگام بازپرداخت، از دادن سود سرباز زند بی آن که، از نظر حقوقی و فقهی، وام‌دهنده حقی داشته باشد.

البته برای تشویق قرض‌دهندگان، تعیین جایزه اشکال ندارد.(ابراهیمی، ۱۳۷۲، ص ۸۳) در واقع این جایزه ضمن قرارداد قرض مطرح نمی‌شود و هیچ حقی برای قرض‌دهنده به ارمغان نمی‌آورد؛ (عبداللهی،۱۳۷۱، ص ۲۸۲) به ویژه اگر جایزه به صورت قرعه‌کشی احتمالی باشد.

موارد فوق به زمان انعقاد قرارداد ارتباط دارد؛ اما، هنگام بازپرداخت، قرض‌گیرنده می‌تواند، افزون بر مال قرض گرفته شده، زیاده‌یی نیز به بستانکار بازگرداند. معصومان(ع) چنین عملی را پسندیده شمرده، به آن سفارش بسیار کرده‌اند.(ابن حنبل، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۰۹؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۸۳ و کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۲۵۵؛ الحلی،۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۹۷.)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

نتیجه‌ی کلی این مطالب آن است که در "قرض حسن" وام‌دهنده نباید با هدف گرفتن سود قرض بدهد؛ ولی بهتر است وام گیرنده، هنگام بازپرداخت، داوطلبانه زیاده‌یی بر مال بیفزاید.

قرض‌الحسنه و عدالت اقتصادی

برای بررسی رابطه قرض‌الحسنه و عدالت اقتصادی می‌توان به نقش آن در توزیع درآمد توجه کرد. از آن‌جا که وام‌دهنده بخشی از درآمد قابل تصرف خود را به قرض اختصاص می‌دهد، می‌توان گفت: قرض پس از تحقق توزیع درآمد به وسیله‌ی مکانیسم بازار و نیز بعد از اعمال سیاست‌های مالی دولت مطرح است. از سوی دیگر، هنگامی زمینه‌ی قرض دادن فراهم می‌آید که حتی پس از دو مرحله‌ی مذکور، بعضی از نیازهای نیازمندان برآورده نشده است. البته نیازمندانی قرض دریافت می‌کنند که توانایی بازپرداخت داشته باشند. از نگاه وام‌گیرنده محور قرض نیاز وی می باشد و مبلغ بازپرداخت در واقع بخشی از درآمد آینده‌ی او است که در برابر کارش به او تعلق خواهد گرفت. بنابراین، در این نهاد هر دو معیار توزیع یعنی نیاز و کار مورد توجه قرار گرفته است. البته رفع نیازهای گروه دیگری از نیازمندان که توانایی بازپرداخت ندارند، باید به یاری سیاست‌های اجتماعی دولت در توزیع درآمد) کمک‌ها و اعانه‌های اجتماعی (و نیز صدقات و انفاق‌های خصوصی تحقق یابد. درباره‌ی توجیه اقتصادی تأثیر قرض بر توزیع درآمد، دو گونه نگرش قابل ارائه است. در نگرش خرد، می‌توان گفت: اگر فرد در آغاز دوره‌ی اول برای رفع نیاز ضروری‌اش وام نگیرد، باید اندک‌اندک پس‌انداز کند و در انتهای این دوره نیازش را برآورده سازد. پس در واقع، بدون قرض، به اندازه‌ی طول زمان کسب درآمد از امکان مصرفش کاسته می‌شود؛ ولی اگر قرض بگیرد، می‌تواند از آغاز همان دوره‌ی اول بر درآمد قابل تصرف و در نتیجه مصرف خود بیفزاید؛ هر چند باید، با اختصاص پس‌انداز تدریجی‌اش، وام را در انتهای دوره بازپردازد. بنابراین، با نگرش خرد، قرض زمان برخورداری از درآمد و مصرف را در طول دوران زندگی، فزونی می‌بخشد. اما در نگرش کلان باید به نوع سیستم قرض توجه کرد نهاد قرض می‌تواند در دو سیستم مختلف به اجرا درآید که از جهت کیفیّت و کمیّت آثار تفاوت‌های بسیار دارند.

۱. صندوق تعاون: در این سیستم، سپرده گذاران، که از طبقه‌ی درآمدی هم‌سطح هستند، مبلغی به عنوان سپرده در اختیار صندوق قرار می‌دهند تا پس ازجمع‌آوری، با شرایط معیّنی، در قالب وام به اعضا داده شود.

۲. صندوق معاونت: در این سیستم، گروهی، که از طبقات درآمدی بالاتر شمرده می‌شوند، برای یاری رساندن به طبقات پایین‌ترِ درآمدی نقدینگی خودرا به طور موقت مسدود کرده، در اختیار صندوق قرار می‌دهند تا در قالب وام در اختیار افراد خاصّ و یا نیازمندانی که صندوق تشخیص می‌دهد، قرار گیرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

۳. از آن‌جا که صندوق تعاون قرض در میان افـرادی کـه سـطح درآمـد یـک‌سـانی دارنـد، شـکل می‌گیرد، اثر آن به صورت افقی است. این سیستم سبب می‌شود، درآمدی که در هر دوره به طبقات کم‌درآمد اختصاص می‌یابد، در اثر تبدیل به کالای بادوام، در همان طبقه تثبیت شود و بـه طبقـه‌ی دیگر منتقل نگردد.

۴. اما صندوق معاونت قرض بر توزیع درآمد اثر طولی می‌نهـد؛ زیـرا در ایـن سیسـتم ثروتمنـدان بخشی از مال خود را جدا می‌کنند و به فقرا اختصاص می‌دهنـد. البتـه اگـر فعالیـت ایـن صـندوق استمرار یابد، می‌توان جریان مداوم ثروت از توانگران به نیازمندان را پـیش‌بینـی کـرد. پـس در هـر مقطع زمانی بخشی از درآمد ثروتمندان در اختیار نیازمندان قرار دارد، هرچند در مقطـع بعـد بایـد بازپرداخت شود.

با چنین نگرشی، می‌توان گفت: در نهاد قرض، چه به صورت تعاون و چه در قالب معاونت، نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم‌درآمد و خرج کردن آن در اقتصاد ملی وجـود دارد. البتـه این روند وقتی در تحقق عدالت اجتماعی آثار مثبت برجای می‌نهد کـه بـا کشـش‌پـذیری عرضـه و قابلیت ظرفیت تولیدی آزاد، در زمینه‌ی کالاهای ضروری، همراه باشد؛ وگرنه با بالا رفتن تقاضا برای این کالاها، سطح قیمت‌ها فزونی می‌یابد و آثار توزیعی قرض خنثا می‌شود. با توجه به اهداف دولـت اسلامی در زمینه‌ی عدالت اجتماعی دولت موظف است چنین قابلیت‌هـایی پدیـد آورد. در بررسـی آثار اقتصادی قرض بر توزیع درآمد، به ویژگی‌های مهم زیر برمی‌خوریم:

۱. قرض، برخلاف مالیات‌ها، سبب انتقال اختیارات درآمد افراد به دولت نمی‌شـود. پـس تخصـیص بهینه‌ی آن‌ها در جهت عدالت اجتماعی به وجود برنامه‌های درست در چارچوب بودجه‌های عمـومی وابسته نیست. در قرض خصوصی وام‌دهنده به طور مستقیم قرض را به نیازمنـد منتقـل مـی‌کنـد و دولت هیچ‌گونه نقش واسطه‌یی ندارد تا درستی یا نادرستی برنامـه‌هـایش در آثـار قـرض بـر توزیـع درآمد دخالت مستقیم داشته باشد.

۲. قرض با مبانی توزیع درآمد در اسلام هم‌آهنگی کامل دارد. باتوجه بـه ایـن کـه در قـرض هـیچ اجباری مشاهده نمی‌شود و وام‌دهنده به انتخاب و اختیار خود در این راه گام می‌نهد، می‌توان گفـت که در قرض احترام به مالکیت خصوصی به طـور کامـل مشـهود اسـت. از سـوی دیگـر، ثروتمنـدان می‌دانند که مالکیت آن‌ها پس از مرتبه‌ی مالکیت مطلق خداوند است و مطابق تعالیم الاهی در برابر نیازمندان مسئولیت دارند. این امر انگیـزه‌ی کـافی در آن‌هـا پدیـد مـی‌آورد تـا بـا اختیـار و آزادی وام دهند. احترام به مالکیت خصوصی و نیز رعایت اختیار و آزادی افراد موجـب مـی‌شـود کـه نهـاد قرض با انگیزه‌ی افزایش تولید و رشد اقتصادی منافاتی نداشته باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

۳. در قرض مبلغ وام به خرید کالاهای ضروری اختصاص می‌یابد. این امر سبب می‌شود منابع موجود در اقتصاد، از طریق سیستم قرض، به تولید کالاهای ضروری تخصیص یابد و در جهت تولید کالاهای لوکس جریان نیابد. پس قرض سیستمی است که تخصیص مطلوب منابع نیز در آن لحاظ شده است. البتّه باید توجه داشت که هر چند در نظام اقتصاد اسلامی تولید کالاهای لوکس نیز در برخی از موارد پیش‌بینی شده است؛ ولی، به دلیل هدف بودن عدالت اجتماعی و حصول آن از طریق برآورده شدن نیازهای ضروری عمومی، سمت‌گیری تخصیص منابع در این جهت از مطلوبیت اوّلیه برخوردار است.

۴. شاخص‌های یک سیستم توزیع مطلوب چنین است:

الف. انگیزه‌های تولید از افراد سلب نشود؛

ب. تخصیص عوامل تولید به بهترین شکل صورت گیرد؛

ج. در دراز مدّت، زمینه برای پدید آمدن انحصار پدید نیاید؛

د. در جهت بالا بردن سطح زندگی عمومی باشد. (ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ص ۳۵۳ - ۳۵۸)

در قرض شاخص‌های یک سیستم توزیع مطلوب به چشم می‌خورد، زیرا:

الف. با قرض دادن انگیزه‌های تولید از افراد سلب نمی‌شود؛

ب. قرض بعد از اعمال مکانیسم قیمت‌ها در محدوده‌ی تولیدات مباح محقق می‌شود؛

بدین سبب، در آغاز، به وسیله‌ی مکانیسم بازار، بالاترین سود برای مصرف‌کننده و تولیدکننده تحقق می‌یابد. البته فرض براین است که مکانیسم بازار در تخصیص بهینه‌ی منابع عامل مهم است.

ج. قرض زمینه‌ی تحقق انحصار را فراهم نمی‌آورد؛

زیرا با انتقال موقت مالکیت به طبقه‌ی نیازمندان در واقع یکی از عوامل پیدایش انحصار، که مالکیت است، خنثا می‌شود. از سوی دیگر، از آن‌جا که در قرض‌الحسنه خصوصی انتقال مالکیّت به دولت نیز تحقق نمی‌یابد، در این سیستم توزیعی، برخلاف مالیات، انحصار دولتی نیز پدید نمی‌آید.

د. با توجه به این که نیاز از ارکان قرض است، می‌توان قرض را ابزار مناسبی در جهت ایجاد زندگی متناسب دانست.

دولت و ساختار انگیزشی نهاد قرض‌الحسنه

همان‌گونه که در نظریه دولت مطرح گردید، هدف اصلی از تشکیل دولت، برقراری عدالت اجتماعی است. میزان دخالت دولت در اقتصاد نیز با توجه به همین معیار معین می‌شود. در صورتی که عدالت اجتماعی بدون دخالت دولت تأمین شود، نیاز به مداخله دولت نیست. به هر میزان که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

عدالت اجتماعی به خطر افتاده و به وسیله افراد تأمین نشود، دولت باید مداخله نماید. دخالت دولت در سه سطح امکان‌پذیر است، برنامه‌ریزی، نظارت، تصدی. در سطح برنامه‌ریزی این امکان وجود دارد که افراد به علت این که ممکن است فاقد نگرش کلان باشند، نتوانند در این سطح برنامه‌ریزی نمایند. به همین خاطر لازم است دولت برنامه لازم را پیرامون موضوع مورد نظر جهت رسیدن به عدالت اجتماعی تهیه نموده و در اختیار آن‌ها قرار دهد. در سطح نظارت نیز دولت این اختیار را دارد که بر فعالیت‌های اقتصادی چه آن قسمت که آزاد عمل می‌کنند و چه آن قسمت که تحت برنامه دولت عمل می‌نمایند، نظارت کرده تا مخل عدالت اجتماعی عمل ننمایند. در سطح تصدی گری نیز در صورتی که زمینه‌ای وجود داشته باشد که در تحقق عدالت اجتماعی ضرورت داشته، اما افراد انگیزه کافی در مشارکت را نداشته باشند، دولت وارد عمل شده و زمینه مزبور را عملیاتی می‌نماید. درباره نهاد قرض‌الحسنه هر سه سطح باید مورد بحث قرار گیرد. درباره سطح برنامه‌ریزی باید گفت که صندوق‌های قرض‌الحسنه به دلیل نگرش خردی که دارند، توانمندی لازم در جهت توجه به اهداف کلان را ندارند. به همین خاطر لازم است که سازماندهی شوند. سازماندهی آن‌ها می‌تواند با تکیه بر یک برنامه کلان که از سوی دولت تعیین می‌شود، صورت گیرد. اما پیرامون سطح نظارت می‌توان گفت که نظارت بر تمامی فعالیت‌های نهادهای قرض‌الحسنه حتی الامکان باید صورت گیرد. معیار اصلی این نظارت نیز میزان مطابقت فعالیت های مزبور با ساختار انگیزشی این نهاد می باشد. نظارت مزبور می‌تواند به طور مستقیم توسط بانک مرکزی و یا به طور غیرمستقیم توسط یک نهاد شبه دولتی باشد. پیشنهاد می‌شود این نهاد شبه دولتی جنبه مردمی و غیرانتفاعی داشته باشد تا با ماهیت نهاد قرض‌الحسنه هماهنگ‌تر باشد. به طور نمونه می‌توان از کمیته امداد امام خمینی یاد کرد. به طور کلی، نظارت غیرمستقیم با ساختار انگیزشی قرض‌الحسنه سازگارتر بوده و برای دولت هزینه کمتری دارد. نقش دولت در نهاد قرض‌الحسنه در شرایط بحرانی همچون جنگ و رکود اقتصادی متفاوت می‌باشد. در این شرایط دولت می تواند در سطوح برنامه‌ریزی و نظارت دخالت بیشتری حتی به صورت مستقیم داشته باشد. دولت می‌تواند در سطح تصدی‌گری نیز دخالت نماید. این دخالت می‌تواند به صورت تخصیص برخی وجوه در جهت اختصاص قرض‌الحسنه به نیازمندان صورت گیرد. بدیهی است که تخصیص این وجوه برتقاضای کل می‌افزاید و انتظار می‌رود که عامل اصلی رکود اقتصادی یعنی کمبود تقاضای کل را برطرف نماید. دخالت دولت در نهاد قرض‌الحسنه می‌تواند جهت تشویقی یا جهت تنبیهی داشته باشد. به نظر می‌رسد از آن‌جا که ماهیت این نهاد با مردمی بودن سازگاری بیشتری دارد، جهت تشویقی بودن دخالت دولت، بر کارآمدی آن می‌افزاید. زیرا جهت تنبیهی باعث می‌شود که از مقدار فعالیت‌های این نهاد کاسته شود، این در حالی است که جهت تشویقی بر آن می‌افزاید. از آن‌جا که کارکرد نهاد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

قرض‌الحسنه در گسترش عدالت اقتصادی مثبت می‌باشد، به نظر می‌رسد که دولت دلیل قانع کننده‌ای برای گسترش این فعالیت داشته باشد. علاوه بر این جهت تنبیهی دخالت دولت، سبب می‌شود که قسمت مهمی از این گونه فعالیت‌ها به صورت پنهان انجام شود. این به معنای ایجاد بازار سیاه در این گونه فعالیت‌ها می‌باشد. در واقع بازار سیاه زمانی بوجود می‌آید که به هر دلیلی اطلاعات کامل و شفاف نباشد. دخالت‌های تنبیهی دولت سبب می‌گردد که صندوق‌ها از ارائه اطلاعات به صورت کامل و شفاف اجتناب ورزند. بنابراین برهزینه فرصت آن می‌افزاید و به همین خاطر قرض‌گیرندگان با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد.

روش‌ها و ابزارهای مناسب جهت عملیاتی شدن برنامه‌های دولت و نظارت بر فعالیت‌های نهاد قرض‌الحسنه

بدیهی است که برای عملیاتی شدن هر برنامه‌ای و نیز نظارت بر فعالیت‌های یک نهاد مال، نیاز به روش‌ها و ابزارهایی می‌باشد که با ماهیت آن نهاد سازگاری مناسبی داشته باشد. در این‌جا برخی از روش‌ها و ابزارهایی که با ساختار انگیزشی نهاد قرض‌الحسنه سازگاری مناسبی دارد، معرفی می‌شود:

- تأمین برخی از هزینه‌های جاری یا ثابت صندوق‌های قرض‌الحسنه: از آن‌جا که یکی از معیارهای کارآمدی نهاد قرض‌الحسنه این است که تمامی وجوه جمع‌آوری شده را اختصاص به نیازمندان بدهد، بنابراین تامین هزینه‌های جاری و ثابت از مشکلات همیشگی این صندوق‌ها بوده است. دولت می‌تواند قسمتی از درآمد خود را در این جهت اختصاص دهد. این امر اولا با هدف اصلی دولت یعنی عدالت اقتصادی سازگار است، ثانیا می‌تواند به عنوان یک ابزار و راهکار تشویقی برای صندوق‌هایی که تحت برنامه دولت فعالیت می‌نمایند و یا با نظارت دولت همکاری مناسبی دارند، مورد استفاده قرار گیرد.
- تسهیل در پی‌گیری حقوقی قرض‌گیرندگانی که در پراخت بدهی کوتاهی نموده‌اند: وقتی وام‌دهنده برای وصول طلبش به دولت مراجعه می‌کند، دولت موظف است، چنان‌چه وام‌گیرنده توانایی دارد، او را به بازپرداخت وادار سازد. علی(ع) به شریح می‌فرمود:
- در کار توانگرانی که در پرداخت حقوق مردم سستی می‌ورزند، دقت کن؛ حقوق مردم را از آن‌ها بگیر و دارایی‌شان را به فروش برسان. زیرا من از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود : مسلمانی که توانگر است و در پرداخت بدهی‌اش سستی می‌ورزد، به همه‌ی مسلمانان ستم می‌کند. (حرّعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۹۶؛ خمینی، ۱۳۶۸، کتاب‌الدین، مسئله ۳۱۱۲)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

- بازپرداخت دیون برخی از قرض‌گیرندگانی که توانایی بازپرداخت ندارند: وقتی وام‌گیرنده توان بازپرداخت نداشته باشد و بستانکار به دولت اسلامی مراجعه کند. در این فرض، اگر دولت اسلامی از نظر مالی امکانات کافی داشته باشد، باید طلب وام‌دهنده را بپردازد. معصومان(ع) در این باره بسیار سخن گفته‌اند.(حرّعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۹۱ و ج ۶، ص ۲۰۶؛ شیخ کلینی،۱۳۸۸ ق ، ج ۵، ص ۹۳؛ طوسی، ۱۴۰۶ ق ، ج ۶، ص ۱۸۴؛ ۶۶؛ راوندی، ۱۴۰۵ ق ، ج ۱، ص ۳۸۰)

باید توجه داشت که اسلام درآمد زکات را برای بازپرداخت این نوع وام‌ها، به وسیله‌ی دولت اسلامی، در نظر گرفته است. یکی از موارد مصرف زکات، سهم‌الغارمین است و به بازپرداخت این نوع وام‌ها اختصاص دارد. (توبه ۹:۶۰) البته این سهم برای بازپرداخت وام‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که:

الف. بدهکار از پرداخت بدهی‌اش ناتوان باشد؛ یعنی افزون بر نیازهای خود و خانواده‌اش، برای بازپرداخت وامش، درآمدی نداشته باشد.

ب. وام گیرنده، وام را در گناهان به کار نبرده باشد.

ج. بدهکار در به‌کارگیری وام در امور شرعی، اسراف نکرده باشد. امام رضا (ع) فرمود: وام دهنده‌یی که به ناتوانی وام‌گیرنده گرفتار شده است باید به اندازه‌یی که خبر به امام مسلمانان برسد، صبر کند. پس از آن، اگر وام‌گیرنده وام را در اموری که طاعت خداوند شمرده می‌شود، صرف کرده باشد، امام مسلمین قرض او را از سهم‌الغارمین پرداخت می‌کند؛ اما اگر در نافرمانی خداوند استفاده کرده باشد. بر امام مسلمانان چیزی واجب نیست.(حرعاملی، ۱۴۱۴ق ،ج ۱۳، ص ۹۳)

با این شرط‌ها، قرض‌دهندگان از بازپرداخت وام‌هایشان اطمینان می‌یابند. همچنین دولت می‌تواند با صدور احکام حکومتی، درباره‌ی کیفیّت و کمیّت وام‌هایی که با توجه به شروط یاد شده تحت حمایت قرار می‌گیرند، بر فعالیت‌های خصوصی قرض در جامعه نظارت کنند. بدین سبب، می‌توان حمایت حقوقی و جبران وام‌های بازپرداخت نشده را ابزارهای کنترل قرض به شمار آورد. البته تحقق این حمایت‌ها از سوی دولت به سیستمی مناسب نیاز دارد تا به وسیله‌ی آن درستی ادّعای قرض‌گیرندگان و وجود شرایط لازم برای حمایت در آنان شناخته شود. در غیر این صورت، دست کم باید ضمانت‌های لازم از بدهکاران گرفته شود تا چنان‌چه نادرستی ادّعایشان آشکار شد، زیان‌ها را جبران کنند.

انتشار اوراق قرض‌الحسنه: یکی از ابزارهایی که در گسترش فعالیت قرض‌الحسنه موثر است، اوراق قرض‌الحسنه می باشد. دولت می‌تواند در این مرحله به عنوان ناشر (واسط) یا ضامن عمل نماید. ناشر (واسط) هر شخص حقوقی است که با دریافت مجوز از مراجع ذیربط به منظور انتشار اوراق مشخص تاسیس می‌شود و فعالیت وی صرفا محدود به انجام این عملیات و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با عملیات در بازارهای مجاز و مطمئن است. ضامن نیز شخص حقوقی است که بازپرداخت اصل متعلق به اوراق را در سررسیدهای مقرر تعهد و تضمین می‌نماید. (البته انتشار این اوراق نیاز به فرایندی دارد که در مقاله توضیح داده شده است)

تشکیل اتحادیه و کانون‌های منطقه‌ای و ملی برای صندوق‌های قرض‌الحسنه: اتحادیه و کانون‌های منطقه‌ای و ملی صندوق‌های قرض‌الحسنه، می‌تواند به عنوان سازمان‌هایی باشند که در سازماندهی این فعالیت نقش آفرین هستند. از آن‌جا که ماهیت مردمی این نهاد با توجه به ساختار انگیزشی که دارد، نیاز به سازماندهی در سطح کلان دارد، بنابراین ضرورت سازمان‌های مزبور روشن می باشد. این سازمان‌ها می‌توانند به صورت شبکه‌ای عمل کرده و تمرکز یابند.

آموزش مدیران و کارکنان صندوق‌ها: یکی از مهم‌ترین اشکالات ساختاری در صندوق‌های قرض‌الحسنه عدم تخصص و کارآیی مدیران این نهادهاست؛ زیرا در زمان تأسیس اکثر قریب به اتفاق صندوق‌های قرض‌الحسنه، هیچ‌گونه شرایط و محدودیت قانونی در احراز عضویت هیئت مدیره صندوق‌ها وجود نداشته و همان‌گونه که در اساسنامه آن‌ها بیان شده هیئت امنا می‌توانند از میان خود یا افراد خارج از هیئت امنا، گروهی را جهت اداره امور صندوق انتخاب کنند. با توجه به این‌که در گذشته و حال عموماً صندوق‌های قرض‌الحسنه در میان افراد خیر تشکیل یافته است و ویژگی‌هایی مانند: تعهد، تجربه و وجهه اجتماعی برمعیارهای تخصصی و علمی مرجح بوده؛ لذا هیئت مدیره به‌عنوان یک نهاد تخصصی با رویکرد علمی تشکیل نشده است.

گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه در رسانه‌های ملی: اگر هم قرض‌گیرنده و هم قرض‌دهندگان با فرهنگ قرض حسن، بیشتر آشنا شوند و نسبت به وظایف یکدیگر در خصوص قرض، آگاهی بیشتری پیدا کنند، جذابیت عمل قرض هم برای آنان و هم برای مردم دیگر که شاهد و ناظر این عمل هستند، بسیار بیشتر خواهد شد. رسانه‌های ملی در این راستا از کارآمدی مناسبی برخوردارند.

نتیجه‌گیری

۱. مهم‌ترین نقصی که در اجتماع انسانی به چشم می‌خورد، احتمال دور شدن از عدالت اجتماعی است. به همین خاطر انسان‌ها خود را نیازمند نهادی می‌بینند که عهده‌دار حفظ جامعه در مسیر عدالت اجتماعی باشد.

۲. از مهم‌ترین عناصری که در ساختار انگیزشی نهاد قرض‌الحسنه نقش آفرینی می‌کنند، پاداش آن جهانی، کسب اخلاق پسندیده و نوع دوستی است. در قرض شرط گرفتن سود جایز نیست. اما، هنگام بازپرداخت، قرض‌گیرنده می‌تواند، افزون بر مال قرض گرفته شده، زیاده‌یی نیز به بستانکار بازگرداند. این امور نشان می‌دهد که ماهیت این نهاد، با مردمی بودن سازگارتر است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

۳. در نهاد قرض، چه به صورت تعاون و چه در قالب معاونت، نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم‌درآمد و خرج کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد. البته این روند وقتی در تحقق عدالت اجتماعی آثار مثبت بر جای می‌نهد. بنابراین کارکرد فعالیت قرض‌الحسنه با مهم‌ترین هدف دولت اسلامی کاملا هماهنگی دارد.

۴. صندوق‌های قرض‌الحسنه به دلیل نگرش خردی که دارند، توانمندی لازم در جهت توجه به اهداف کلان را ندارند. به همین خاطر لازم است که سازماندهی شوند. سازماندهی آن‌ها می‌تواند با تکیه بر یک برنامه کلان که از سوی دولت تعیین می شود، صورت گیرد.

۵. برخی از روش‌ها و ابزارهایی که با ساختار انگیزشی نهاد قرض‌الحسنه سازگاری مناسبی داشته و جهت تشویقی دارند، عبارتند از: تأمین برخی از هزینه‌های جاری یا ثابت صندوق‌های قرض‌الحسنه، تسهیل در پی‌گیری حقوقی قرض گیرندگانی که در پراخت بدهی کوتاهی نموده‌اند، بازپرداخت دیون برخی از قرض‌گیرندگانی که توانایی بازپرداخت ندارند، انتشار اوراق قرض‌الحسنه، تشکیل اتحادیه و کانون‌های منطقه‌ای و ملی برای صندوق‌های قرض‌الحسنه، آموزش مدیران و کارکنان صندوق‌ها، گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه در رسانه‌های ملی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

منابع

۱. ابراهیمی، محمد حسین، ربا و قرض در اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۲.
۲. ابن حنبل، احمدبن محمد؛ مسند احمد، تحقیق عبداللّه محمد الدرویش، بیروت، الطبعۀ الثانیۀ، ۱۴۱۴ .
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، دارالکتب العلمیۀ، بیروت، بی‌تا.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۵. التمیمی‌المغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیّونلإ دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضایا والاحکام، دارالمعارف، مصر، الثالثۀ، ۱۳۸۹ ه . ق.
۶. جمشیدی، محمد حسین: نظریه عدالت از دیدگاه فارابی امام خمینی و شهید صدر، معاونت پژوهشی انتشارات پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، اول، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۷. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعۀ (آل البیت)، تحقیق: مؤسسۀ آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث، قم مؤسسۀ آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث بقم المشرفۀ، الطبعۀ الثانیۀ، ۱۴۱۴ق.
۸. الحلی، ابومنصور حسن بن یوسف، المختلف‌الشیعه، مؤسسۀالنشرالاسلامی، الطبعۀ الاولی، قم، ۱۴۱۵ هق.
۹. الخمینی، سیدروح‌اللّه، تحریرالوسیله، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، الطبعۀ الرابعۀ، قم، ۱۳۶۸.
۱۰. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
۱۱. راوندی، قطب‌الدین: فقه‌القرآن، کتابخانه آیۀاللّه مرعشی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۵ ق .
۱۲. صدوق، محمد بن علی، ثواب الاعمال، تحقیق علی اکبر غفاری، کتابفروشی صدوق، تهران، ۱۳۹۲ ق.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالتعارف و دار صعب، ۱۴۰۱ ق.
۱۴. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن ، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن الخرسان، الطبعۀ الثالثه، داراالاضواء، بیروت، سنۀ ۱۴۰۶ ق.
۱۵. الطوسی، محمدبن حسن و الحلی، جعفربن الحسن: النهایّه و نکتها، قم، مؤسسۀ النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. عبداللّهی، محمود، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۱.
۱۷. القبانچی، حسن، شرح رسالۀ الحقوق امام سجاد ع، ج ۲، اسماعیلیان، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۵.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ ق.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، دار الکتب الإسلامیۀ، تهران، ۱۳۶۲.
۲۰. المجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، مرآۀ العقول فی شرح اخبار الرسول، دارالکتب الاسلامیۀ، تهران، الثالثۀ، ۱۳۷۰ ه . ش.
۲۱. مجلسی، حمدتقی، روضۀالمتقین (فی‌شرح من لایحضره‌الفقیه)، بنیاد فرهنگ اسلامی، تهران.مطهری، مرتضی: تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه هدف زندگی، انتشارات صدرا، هفتم، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر: تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، اول، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، تهران،۱۳۹۴ ه . ق.
۲۴. نراقی، محمدمهدی جامع السعادات، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، سوم، قم، ۱۳۸۳/۱۹۶۳.
۲۵. هادوی‌نیا، علی‌اصغر، مبانی نظری دولت در قرآن کریم، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۲۶، ۱۳۸۷.
۲۶. الهندی، علاءالدین المتقی بن حسام الدین، کنزالعمّال فی سنن الاقوال و الافعال، مکتبۀ التراث الاسلامی، اوّل، حلب، ۱۳۹۷ ق، ۱۹۷۷م.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2023-12-08]